

مقدمه کوتاه و خصوصیات

شناخت کوتاه از حضرت مهدی

نام: م ح م د

پدر: امام حسن عسکری (ع)

مادر: نرجس

کنیه: ابوالقاسم

القاب: حجت، خاتم، صاحب الزمان، قائم، منتظر و از همه مشهورتر مهدی.

شکل: همچون ستاره درخشان نورانی و خالی سیاه برگونه راست دارد.

زاد روز: شب نیمه شعبان 255، هنگام طلوع فجر.

زادگاه: شهر سامراء.

غیبت صغری: از سن پنج سالگی به مدت 69 سال.

نمایندگان: چهار نفر از شخصیت‌های شیعه به نام‌های:

1- ابوعمرو، عثمان بن سعید بن عمر و عمری اسدی، وکیل و نماینده پیشین امام هادی و امام عسکری

(ع)

2- فرزند او، ابوجعفر: محمد بن عثمان بن سعید در گذشته (304).

3- ابوالقاسم، حسین بن روح بن ابی‌بهر نوبختی در گذشته (326).

4- ابوالحسن علی بن محمد سمري در گذشته (329).

محل اقامت نامبرده‌گان در بغداد و کلیه امور شیعیان و خواسته‌ها و نامه‌های آنان به وسیله این چهار

نفر انجام و رد و بدل می‌شد و آرامگاه آنان نیز در بغداد مشهور است.

غیبت کبری: با درگذشت چهارمین نماینده و سفیر آن حضرت از سال (329) آغاز گردید.

و تا به هنگام فرمان الهی مبنی بر اجازه ظهور و قیام آن بزرگوار همچنان ادامه خواهد داشت.

نمایندگان و وظیفه مردم در دوران غیبت کبری: کسی که فقیه خویشتن دار، مخالف با هوای نفس و

فرمانبر امر خداوند باشد، او نماینده امام زمان است و بر دیگران لازم است از او پیروی کنند، زیرا آنان از

طرف امام بر مردم حجت‌اند و امام از طرف خدا بر آنان.

هنگام ظهور: آنگاه که منادی حق از جانب آسمان ندا دهد: حق با آل‌محمد است. نام مهدی بر سر زبانها

افتد، مردم دلباخته او شوند و از کسی جز وی سخن نگویند.

محل ظهور: مکه معظمه.

محل بیعت: (تعهد مردم در پیروی از امام): مسجد الحرام، میان رکن و مقام.

نشانی: فرشته‌ای از بالای سر او فریاد می‌زند: این مهدی است، او را پیروی کنید.

یادگار انبیاء: انگشتر سلیمان در انگشت او و عصای موسی در دست وی و آنچه خوبان همه دارند او تنها دارد.

یاران: افرادی که هسته مرکزی زمامداری او را تشکیل می‌دهند، سیصد و سیزده نفر به عدد اصحاب

بدر خواهد بود و این گروه در حقیقت کارگردانان اصلی قیام مهدی و کار گزاران درجه اول انقلاب

جهانی اسلام خواهند بود، که از اطراف جهان به دور حضرتش گرد آیند.

روش حکومتی: براساس قرآن و سیره پیامبر (ص) و امیر مومنان (ع).

شعاع و دامنه حکومت: سراسر جهان را فراگیرد و زمین را از عدل و داد پر کند، در حالی که از جور و ستم پر شده باشد.

مرکز حکومت: مسجد کوفه (مرکز خلافت و حکومت علی ((ع)).

چگونگی پیروزی بر دشمنان: همانند پیروزی جد خود پیامبر اسلام بر کافران و مشرکان است، خداوند او

را با گروه‌های منظم هزار نفری از فرشتگان یا سه هزار نفری که از آسمان فرود آیند یا پنج هزار نفری

که دارای نشان مخصوص باشند مدد خواهد داد و در جبهه‌های جنگ یاری کند، آنچنان که مومنان را در

حال شکست در بدر و در بسیاری از جبهه‌ها و روز تاریخی حنین یاری و پیروز فرمود و در جنگ احزاب

رعب را در دل کفار و مشرکان ریخت.

مدت زمامداریش: روایات، که اکثراً مربوط به اهل تسنن است در این باره باختلاف سخن گفته، اما به

عقیده شیعه خدا آگاه است.

وزیر و معاون: عیسی (ع) از آسمان فرود آید و بعنوان وزیر با حضرتش همکاری نماید.

برکات حکومت و رهبری او: درهای خیر و برکت از آسمان بروی مردم گشوده شود، عمرها به درازا

کشد، مردم همه در رفاه و بی‌نیازی بسر برند. شهرها همه بر اثر آبادانی و سرسبزی بهم پیوسته

گردند آنچنان که مسافران را به برداشتن نوشه نیازی نخواهد بود و اگر زنی یا زنانی تنها از مشرق به

مغرب روند کسی را با آنها کاری نباشد.

ولادت حضرت حجة بن الحسن العسكري

حضرت مهدی - علیه السلام - دوازدهمین اختر تابناک و پیشوای آسمانی اسلام، در اوان سپیده دم نیمه شعبان، روز جمعه به سال (255) هجری قمری برابر با (868) میلادی در شهر سامرا در خانه امام یازدهم، حسن عسکری - علیه السلام - سامراء در که الآن صحن و حرم عسکریین علیهما السلام است دیده به جهان گشود و دنیا را به نور و جمال مبارکش منور ساخت. پدر بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری - علیه السلام - و مادر گرامی او نرجس می باشند.

نام های آن حضرت عبارتند از: نرجس، سوسن، صقیل، صیقل، حدیثه، حکیمه، ملیکه، ریحانه و خمط. اما مشهورترین نام او «نرجس» است و معروفترین کنیه اش «ام مجد» است.

1- «نرجس» که نام برخی از گلهاي عطر آگین است.

2- «خمط» نوعی درخت میوه است که قرآن نیز آن را بکار برده است.

3- «سوسن» نام نوعی گل خوشبو و معطر و پرفایده است که در کتابهای طب نیز آمده است.

4- «صقیل» به مفهوم پدیده‌ی نورانی و پر جلوه و نرم است.

نرجس خاتون دختر یوشعا پسر قیصر روم از نسل شمعون یکی از حواریون مسیح - علیه السلام - می باشد. او ملیکه است از آن جهت که شاهزاده بوده است .

نام و کنیه آن حضرت، نام و کنیه رسول خدا، حضرت ابوالقاسم، مجد (ص) است و از القاب مبارکشان : مهدی، منصور، قائم بامر الله، حجة الله، ولي الله، صاحب الامر، صاحب الزمان، المنتقم، بقية الله. می باشد.

اسم مبارک آن حضرت: مجد. و این نامی است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای او گذارده،

فرموده: اسم او اسم من است و کنیه‌ی او کنیه‌ی من است.

کنیه: کنیه‌ی مسلم آن حضرت ابوالقاسم و ابصالح نیز معروف است.

پدر و سلسله آباء: الحسن العسکری بن علی الهادی بن مجد الجواد بن علی الرضا بن موسی کاظم بن جعفر الصادق بن مجد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین الشهید بن علی بن ابی طالب امیر المومنین علیهم السلام.

مادر: نرجس دختر یوشعا نواده قیصر روم و لقب قابله اش: عمه‌ی پدرش حکیمه خاتون.

خصوصیات حمل و ولادت: حمل او مخفی بود تا هنگام ولادت، مانند حمل موسی بن عمران، یعنی به طوری بود که تا ساعت تولد هیچ کس اثر حمل در مادرش «نرجس خاتون» نمی دید. حمل او چنان مخفی بود که تا آخرین لحظه ولادت حکیمه خاتون اثر حمل در نرجس مشاهده نکرد که گفت نزدیک بود مرا شک عارض شود که ناگاه صدای برادرزاده ام بلند شد: «عمّه شک مکن. بخوان سوره «إنا انزلناه» را، حکیمه خاتون گفت شروع کردم به خواندن سوره، ناگاه دیدم از میان رحم با من هم آواز شد. چون سوره تمام شد متولد گردید و در هنگام تولد نوری از وی ساطع شد که چشمهای حکیمه خاتون را خیره کرد. ناگاه او را دید که به سجده افتاده و شهادتین و شهادت بر وصایت پدران خود بر زبان جاری کرد و چون به خودش رسید گفت: اللهم أنجز لي وَعْدَلي و آتمم لي أمری و تبت و طاتي و أملابي الارض قسطاً و عدلاً».

بار خدایا وعده مرا سریع و مسلم گردان و امر مرا تمام ساز و قدم مرا ثابت بدار و زمین را به واسطه من پر از عدل و داد گردان.

خصوصیات جسمانی نوزاد

حضرت حکیمه خاتون می گوید: روز هفتم ولادت، به منزل حضرت عسگری (ع) آمدم پس از امر امام عسگری (ع)، نوزاد شروع به تکلم نمود. او شهادت به توحید و صلوات بر پیامبر و امامان از امیر مؤمنان تا پدر بزرگوارش فرستاد. سپس آیه ای از قرآن و پس از آن کتابهای نازل شده بر انبیاء گذشته را یکی پس از دیگری تا قرآن و سپس قصص انبیاء را ذکر فرمود.

بعد از روز چهلم وارد خانه حضرت شدم، ناگهان دیدم مولایم صاحب الزمان در خانه راه می رود، چهره ای نیکوتر از صورت او ندیده بودم و لغت فصیح تر از لغت او شنیده بودم. وقتی که امام عسگری (ع) تعجب مرا مشاهده نمودند، فرمودند: ای عمّه من آیا نمی دانی که ما جماعت اوصیاء الهی در یک روز به اندازه یک هفته و در یک هفته نشو نمای یک سال از نشو و نمای دیگران داریم!

شمایل و خصوصیات

در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم شمایل و اوصاف حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

خصوصیات حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان (عج)

1. شبیه ترین مردم در خلق و خوی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوده و شمائل او شمائل آن حضرت می باشد.
2. چهره اش سفید درخشنده، که سرخی به او آمیخته و گندم گون است.
3. پیشانی نازنینش فراخ و سفید و تابان است.
4. ابروانش به هم پیوسته، هلالی و کشیده.
5. بینی مبارکش باریک کشیده و بالا آمده که مختصری برآمدگی در وسط دارد.
6. گوشت صورت مبارکش کم است.
7. بر روی راستنش خالی است همچون ستاره ای درخشان.
8. دندان هایش براق و گشاده است.
9. چشمانش درخشنده، سیاه و درشت .
10. در میان شانهاش اثری چون اثر نبوت دیده می‌شود .
11. اندام مبارکش متناسب و دلریاست.

بعضی از ویژگی‌های آن وجود شریف که در سخنان معصومین علیهم السلام بیان گردیده، از این قرار است:

او اهل عبادت و شب زنده داری، زهد و ساده زیستی، صبر و بردباری، عدالت و نیکوکاری است. آن حضرت سرآمد همگان در علم و دانش و وجود نازنینش چشمه‌سار برکت و پاکی است. او اهل قیام و جهاد، رهبر جهانی، انقلابی بزرگ، منجی نهایی و مصلح موعود بشریت است. آن وجود نورانی از تبار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و از اولاد فاطمه زهرا علیها السلام و نهمین فرزند از نسل سیدالشهداء علیه السلام است که به هنگام ظهور بر کعبه تکیه زند و پرچم پیامبر را در دست گیرد و با قیام خود دین خدا را زنده و احکام خداوند را در سراسر گیتی جاری کند و جهان را پر از مهربانی و داد گرداند پس از آن که پر از جور و بیداد شده باشد.

چهره حضرت مهدی

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر سیرت و صورت شبیه‌ترین انسان‌ها به رسول خداست، شیخ صدوق در کتاب کمال الدین روایت می‌کند که جابر بن عبدالله انصاری گفت: رسول خدا فرمود: «المهدی من ولدی، اسمُهُ اسمی، و کنیتُهُ، أشبهُ الناس بی خُلُقاً و خُلُقاً...» مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان من، همنام من و هم کنیه من است، او شبیه‌ترین انسان‌ها از نظر ظاهر و باطن به من است، برای او غیبتی حیرت انگیز رخ می‌دهد که امت‌هایی در ارتباط با آن حضرت گمراه می‌شوند، سپس همانند شهاب ثاقب آشکار می‌گردد، و سراسر زمین را پس از آن‌که پر از ظلم و جور می‌شود، پر از عدل و داد می‌کند.»

چنان‌که روایت شده، شکل و شمایل آن حضرت، همانند چهره رسول خداست، همان‌گونه‌که در کتاب بحارالانوار و... نقل شده است. محدثین بر اساس این روایات گفته‌اند: چهره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سفید متمایل به سرخ است، پیشانی بلند، بینی باریک، گود چشم و دارای ابرو به هم پیوسته است. نور از چهره‌اش به گونه‌ای می‌درخشد که بر سیاهی موی محاسن و سرش چیره می‌گردد، فرق سرش و بین دو موی جمع شده که مانند الف در میان دو واو، است، گشاده دندان است، آخر موی سرش (چون گیسو) چیده شده، بین دو شانهاش پهن و سیاه چشم است، ساق پا و شکمش هم چون ساق پا و شکم جدش حضرت علی علیه السلام است، میان بالا است، بلکه میان قامت و چهار شانهاست. سر مبارکش مدور، گونه‌هایش نرم، و برگونه راستش خالی هم چون ریزه مشک‌کی که بر صفحه نقره افتاده است، موی عنبر بوی بر سرش بود، دارای شکل و قیافه جذابی است که هیچ چشمی معتدل‌تر از آن را ندیده است.

در روایت دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده فرمود: «... خداوند در نسل حسین علیه السلام امامانی را قرار داده که آنها برای اجرای دستورهای من بر می‌خیزند، و وصیت مرا حفظ می‌کنند، نهمین آنها قائم اهل بیت من، و احیاگر امت من، است که در شمایل و شکل و قیافه و گفتار و کردار، شبیه‌ترین انسان‌ها به من است، پس از غیبت طولانی و حیرت گمراه کننده ظهور می‌کند، فرمان خدا و دین الهی را آشکار می‌سازد، به نصرت خداوند و فرشتگان خدا، تأیید و یاری می‌شود، سراسر زمین را همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد می‌نماید.»

زیبایی جمال نازنین حضرت حجت

شَاباً حَسَنَ الْوَجْهِ؛

جوانی زیباروی.

شَاب حَسَن الْوَجْهِ طَيِّبُ الرَّائِحَةِ هَيُّوبٌ و مع هیبتِ متعَرَّبِ إلی الناس؛

جوانی زیباروی، خوش بوی و با هیبت که با وجود هیبت‌اش، رابطه‌ی نزدیکی با مردم دارد.

شَاب من أَحْسَن النَّاسِ وَجْهًا و أَطْيَبَهُمْ رَائِحَةً؛

جوانی از زیباروی‌ترین مردم و خوش بوی‌ترین آنان.

حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام، «زیبارویان عالم، در مقابل حضرت، چون ستاره‌های درخشان در مقابل ماه نورانی‌اند»

سنی که از جمال مبارک ایشان نمایان است

لیس هذا الأمر من جاز أربعین؛

صاحب این امر، بیش از چهل سال ندارد.

وصف تک تک اعضا حضرت مهدی

ابرو

أزجّ الحاجبین؛

کشیده و کمان ابرو.

المقرون الحاجبین؛

ابروان نزدیک به هم.

بینی

أقنی الأنف؛

کشیده و باریک بینی.

«طولهُ ودقّةُ أرنبتِهِ مع حدبٍ فی وسطِهِ؛

دراز بودن بینی و نازک بودن نوک آن همراه محدّب بودن وسط بینی.»

پشت

بطهره شامتان شامة علی لون جلده و شامة علی شبه شامة النبی صلی الله علیه وآله؛ در پشت‌اش،

دو خال است: خالی به رنگ پوست‌اش و خالی شبیه خال پیامبر صلی الله علیه وآله.

پیشانی

أعلى الجبهة؛

بلند پیشانی.

الجبین الأزهري؛

پیشانی درخشان.

پیشانی حضرت، 1- آشکار و واضح، 2- نورانی و براق، 3- دارای پوستی لطیف و صاف است. 4- اثر سجدہ بر پیشانی مبارک است.

چشم

أعين؛

درشت چشم.

دُرِّي المقلتين؛

براق چشم.

أدعج العينين؛

سیاه چشم.

الغائر العينين؛

چشمان فرو رفته.

چشمان زیبای امامعلیه السلام، به طور طبیعی، سرمه کشیده و سیاه است. «الأكحل» به معنای «الذي يعلو منابت أشفاره سواد خلقه» است؛ یعنی، اکحل به کسی گویند که محل رویدن مزه‌های چشماش به طور طبیعی، بسیار سیاه است. به خاطر شباهت امامعلیه السلام به پیامبر صلی الله علیه وآله می‌توان گفت، امامعلیه السلام، دارای مزه‌های فراوان و پرپشت و بلند و دراز هستند.

دندان

بأسنانه تغليج؛

میان دندان‌هایش فاصله است.

دندان‌های پیشین حضرت، از هم فاصله دارند.

دندان‌های حضرتعلیه السلام، براق و درخشنده است. عبارت «بَرَّاق الثنايا»، لمعان را می‌رساند.

ران

أزبل الفخذين بفخذه اليميني شامة؛

درشت ران که بر ران راست‌اش یک خال است.

1- ران‌های حضرت، عضلانی و ستبر است که نشان قوت و قدرت بدنی امام‌علیه السلام است.

2- یک خال، در ران راست حضرت‌علیه السلام وجود دارد.

رنگ رخسار ایشان

ناصع اللون؛

رنگی خالص و واضح.

كأنَّ في وجهه الكوكب الدرّي في اللون؛

رنگ رخسارش چون ستاره‌ای درخشان است.

لوئُهُ لونٌ عربيٌّ؛

رنگ‌اش، رنگ عربی است.

أبيض مشرب حمرة؛

سفیدی متمایل به سرخی.

به سمرة و كان لونه الذهب؛

کمی گندم‌گون، و رنگ‌اش طلائی است.

ریش

كثّ اللحية؛

پر پشت و کوتاه ریش.

از «كثّ اللحية» دو نکته به دست می‌آید:

1) محاسن حضرت، پر پشت و فراوان است.

2) محاسن حضرت، بلند نیست؛ یعنی، در عین فراوانی محاسن، موهای محاسن، کوتاه است.

ساق

أحمش الساقين؛

باریک ساق.

علي ذراعه الأيمن مكتوب: «جاء الحق و زهق الباطل إنَّ الباطل كان زهوقاً»؛

بر ساق راست‌اش این آیه نوشته شده: «حق آمد و باطل نابود شد. همانا، باطل، نابود شدنی است.»

سر

شامة في رأسه؛

خالي در سر دارد.

مدور الهامة؛

سرش گرد است.

سینه

واسع الصدر... عريض ما بينهما (المنكبين)؛

فراخ سینه... میان دو کتف بهن است.

العريض ما بين المنكبين؛

میان دو کتف، بهن است.

صورت

مسنون الخدين؛

گونه‌های کم گوشت.

سهل الخدين علي خده الأيمن خال؛

گونه‌هایی لطیف با یک خال در گونه‌ی راست.

علي خده الأيمن خال كأنه كوكب دري؛

بر گونه‌ی راست‌اش، خالی است که مانند ستاره‌ی درخشان است.

چهره نورانی

امام رضا عليه السلام فرمود :

«... عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْعُدْسِ...».

بر او پوشش‌هایی است از نور که از پرتو قدس روشنایی می‌گیرد.

قامت رعناي امام غائب

شابُ مربوع الغامة؛

جوانی با قد متوسط.

لا بالطويل الشامخ ولا بالقصير اللاصق ممدود الغامة؛

نه بسیار بلند و نه بسیار کوتاه، با قامتی کشیده.

کتف و شانه

عظيم مشاش المنكبين؛

استخوان شانه‌ها، بزرگ است.

مشرف المنکین؛

شانه‌ها، بزرگ است.

بکتفه الیمنی خال؛

در کتف راست‌اش، یک خال است.

در کتف مبارک امام، علامت نبوت هست.

کف دست و پا

شَنُّ الكفین؛

درشت کف.

مچ دست امام‌علیه السلام نیز بزرگ و قوی است.

یعنی کف پای حضرت، کم گوشت است. این نیز می‌تواند نشانه‌ای از امام باشد.

گردن

- بلند و کشیده (طویل العنق) است.

2- بسیار زیبا و موزون است به گونه‌ای که دست ساز و غیر طبیعی می‌نماید (جید دمیة).

3- بسیار سفید و درخشان است به مثل درخشش نقره (ابریق فضة).

4- زیر گردن و قسمت ترقوه، طلایی و براق است (کان الذهب یجری فی تراقیه).

موی سر

برأسه وفرة سحماء سبطة تطالع شحمة أذنه؛

مویی سیاه و لخت دارد که تا نرمه‌ی گوش‌اش می‌رسد.

موی حضرت، زیبا است و رنگی صاف و واضح و خوش منظر دارد.

دوران غیبت صغری

پس از انتقال امامت به آن حضرت و خواندن نماز بر جنازه‌ی پدر بزرگوارش در اثر تعقیب کردن مجدد عباسی برای دستگیر کردن وی غیبت فرمود حتی بر خواص هم رسماً ظاهر نمی‌شد اما نائب خاص برای خود انتخاب فرمود تا مرجع شیعیان باشد حوائج و سؤالات خود را به وسیله‌ی او به آن حضرت برسانند و دریافت جواب کنند.

و خود گاه گاه مخفیانه بر نائب خاص ظاهر می‌شد و دستورات خاصه می‌داد و سؤالات دوستان را توفیق می‌فرمود و بسیاری از اوقات بر نائب هم ظاهر نمی‌شد و کتاباً یا به وجه دیگر به روی القاء می‌فرمود تا اینکه بر همین منوال چار نائب هر یک پس از دیگری تعیین فرمود و بعد از آن غیبت صغری مبدل به غیبت کبری گردید و امر مراجعه‌ی شیعه محول به عموم فقهای جامع الشرائط شد و از این جهت آن چهار نائب را نائب خاص گفتند زیرا که نیابت ایشان به طور خصوصی یعنی به نصب خاص و تعیین خاص آن حضرت بود، و فقهای عظام را نائب عام گفتند زیرا که نیابت ایشان را به طور کلی امضاء فرموده چنانچه در توفیق اسحق بن یعقوب که بر دست نائب دوم فرمود:

و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الي رواة شيعتنا (حدیثنا خ ل) فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله. اما حادثه‌ها و اموری که بر شما رخ می‌دهد در آنها مراجعه کنید براویان احادیث ما زیرا که ایشان حجت منند بر شما و من حجت خدایم و حضرت صادق علیه‌السلام فرمود:

و أما من كان من الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لدينه مخالفا لهاه مطيعا لأمر موالاه فللعوام ان يقلدوه. هر کس از فقهاء نفس خود را از معاصی و محرمات نگهداری کند و دین خود را حفظ نماید و مخالف هوای خود و فرمانبر مولای خود باشد پس برای عوام رواست که او را تقلید کنند.

غیبت صغری بر غیبت کبری دو امتیاز دارد یکی آنکه مدت او کوتاه که مجموعاً هفتاد سال تقریباً می‌شود و مدت این دراز و هنوز غیر معلوم است دوم آنکه در دوران غیبت صغری چون نائب خاص وجود داشت مراجعه‌ی مردم به خود امام علیه‌السلام تا حدی سهل بود زیرا که اگر از فیض مشاهده‌ی حضوری محروم بودند از فیض مراجعه‌ی کتبی به وسیله‌ی نائب خاص محروم نبودند، حوائج و سؤالات خود را از خود امام علیه‌السلام شخصا می‌توانستند استعلام کنند و این فیض نیز در غیبت کبری برداشته شد یعنی از هر دو فیض محروم گشتند پس این غیبت از دو جهت کبری و بزرگتر است هم از جهت طول مدت و هم از جهت دو محرومیت.

نواب چهارگانه در زمان غیبت صغری

نائب اول

ابوعمر و عثمان بن سعید العمری الاسدی برای سه امام نیابت کرده حضرت امام علی النقی علیه السلام و حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و حضرت حجت علیه السلام. نیابت او برای حضرت حجت علیه السلام از سال 260 تا سال 280 بود.

نائب دوم

پسر او محمد بن عثمان العمری بعد از وفات پدرش به نیابت حضرت انتخاب شد از سال 280 تا سال 305، و او نیز از حضرت عسکری علیه السلام نیابت کرده.

نائب سوم

ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی پس از وفات محمد بن عثمان به نیابت منصوب از سال 305 تا سال 326.

نائب چهارم

ابوالحسن علی بن محمد سمري از سال 326 بعد از وفات حسین بن روح به نیابت تعیین شد تا سال 329 که در نیمه‌ی شعبان وفات کرد.

دوره غیبت کبری

سومین بخش از زندگی امام زمان را دوران غیبت کبرا تشکیل می دهد. پس از آن که شیعه با مسأله غیبت امام عصر علیه السلام مأنوس شد و زمینه غیبت دراز مدت فراهم آمد گشت. ابتدای این بخش از زندگی حضرت، با فوت آخرین سفیر از سفرای چهارگانه حضرت شروع شد و پایان آن را کسی جز پروردگار آگاه نیست.

در این قسمت از زندگی حضرت مهدی علیه السلام نیز، نکاتی است که به آن اشاره می کنیم: از آن جا که تجربه طولانی امامت در پیش روی بود و بیم آن می رفت که حضور عادی امام در میان مردم، به شهادت وی بانجامد و در نتیجه امامت و رهبری، که رمز تحرک و حیات شیعه است، در اهدافش ناکام بماند، این غیبت طولانی آغاز شد، تا امام زمان علیه السلام به عنوان محور و مصدر اول باقی بماند و روزی به رهبری او، دین حق، جهان گستر و فراگیر گردد. به این علت و علت‌های دیگری که در فلسفه غیبت نهفته است، حجت خدا در پشت پرده غیبت قرار گرفت و خورشید گونه از پس ابرها، نور افشانی خواهد کرد.